

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شباهنگ راد

۰۵ جون ۲۰۱۲

سازمان دولتی را

تنها با سازمان مسلح توده‌ئی می‌توان در هم شکست!

بنای سازمان‌های دولتی سرتاسر جهان با زور و سلاح پای ریخته شده است. همه - و علی‌رغم داشتن اختلافات جزئی -، کارکرد واحدی در به یغما بردن نعمات جامعه و تخریب زندگانی میلیون‌ها کارگر و زحمتکش دارند. وظیفه‌شان برقراری نظم و ترتیب سرمایه‌داران جهانی و غارت اموال عمومی است و هر یک در سرکوب اعتراضات کارگری - توده‌ئی کمترین تفاوتی با دیگری ندارد. در حقیقت اوضاع در هم ریخته کنونی جهان تصدیق آن ایده‌ای است که با وجود مناسبات کنونی، جامعه روی آرامش و محترم شمردن به پایه‌ئی‌ترین حقوق انسانی را نخواهد دید؛ تصدیق آن ایده‌ای است که سرمایه‌داران جهانی بدون تعرض به جان و مال کارگران و زحمتکشان در امان نخواهند بود. بی دلیل هم نیست که می‌گیرند و می‌کشند تا تولید سرمایه از حرکت باز نایستد؛ بی دلیل هم نیست که به تهمانده‌های محروم‌ترین اقشار جامعه یورش می‌آورند تا بر انبان‌های بی در و پیکر خود بیفزایند.

مسلم است که خشم و غضب و ددمنشی حاکمان به طبقات فرودست محدود نیست. استثمار، ناامنی‌ها و سرکوب اعتراضات کارگری - توده‌ئی به بالاترین حد ممکنه خود رسیده است و پایمال نمودن حقوق ابتدائی انسانی باور کردنی نیست و به ویژه در این چند دهه زندگی مردم در ابعادی دهشتناک مورد تعرض قدرت‌مداران جهانی قرار گرفته است و هر یک از آنان در به انقیاد کشاندن هر چه بیشتر توده‌ها از هم‌دیگر سبقت می‌گیرند. به عبارتی دیگر بحران همه‌جا را فرا گرفته است و در مقابل همه‌جا مردم به دلیل سیاست‌های حاکمان مفت‌خوار و ظالم، به خیابان‌ها سرازیر شده‌اند. انگلستان، المان، ایتالیا، فرانسه، اسپانیا، یونان و خلاصه همه‌جا غرق در تنش و التهاب سیاسی است. غرق در دنیای نابرابری است که یک درصد از آحاد جامعه و با زور سرنیزه سیاست‌های ارتجاعی خود را به میلیارد‌ها انسان محروم تحمیل می‌نمایند و بر دامنه تنگی اقتصادی - سیاسی و اجتماعی می‌افزایند. در این میان اوضاع کشورهای منطقه خاورمیانه و از جمله ایران، علی حده از وضعیت جهان کنونی نیست و رژیم جمهوری اسلامی هم به سبب هم‌ه رژیم‌های سرکوبگر و وابسته به یمن سلاح و سرنیزه، جامعه را به میدان ناامنی شغلی و

بیکاری هر چه بیشتر تبدیل می‌نماید. در حقیقت سی سال و اندی است که از خط و مسیر دیکته شده‌اش خارج نشده است و سی سال و اندی است که منطبق بر خواسته‌های قدرت‌مداران بزرگ جهانی به استنمار کارگران و زحمت‌کشان گردن می‌نهد، و سی سال و اندی است که توسط نهادها و ارگان‌های رنگارنگ دولتی هر مخالفت و اعتراضی را با گلوله و قلدری پاسخ می‌دهد.

نمونه‌ها در این زمینه فراوانند و همچنین میزان وخامت زندگی کارگران و زحمت‌کشان آنقدر بالاست که با هیچ آمار و ارقامی نمی‌توان آن‌ها را نشان داد. شکاف طبقاتی و گسترش فقر حد و مرزی ندارد و ثروت‌مندان، ثروت‌مندتر و فقراء، فقیرتر می‌شوند. مگر بی دلیل است که اکثریت آحاد جامعه در تخالف با سیاست‌های رژیم جمهوری اسلامی به صف شده‌اند و مگر بی دلیل است که سردمداران رژیم جمهوری اسلامی فاقد پائین‌ترین پایگاه مردمی‌اند؟ مگر بی دلیل است که ابعاد اعتراضات به نابسامانی‌های موجود دامنه هر چه بیشتری یافته است و سردمداران رژیم جمهوری اسلامی را در منگنه هر چه بیشتری قرار داده است؟ این رژیم در عمل به اثبات رسانده است که نماینده و مجری سیاست‌های سودجویانه سرمایه‌های امپریالیستی است و مشاهده شده است که چگونه تیغ بُرنده سازمان‌های دولتی تاکنون جان هزاران کمونیست، مبارز و مخالف جدی را گرفته است و به تبع آن‌ها، آنچنان جنایاتی در حق خلق‌های ستم‌دیده‌ای همچون کُرد و ترکمن‌صحرا مرتکب گردیده است که با هیچ کلام و نوشته‌ای نمی‌توان از در توضیح آن‌ها بر آمد.

شکی در آن نیست که کاربُرد این‌گونه روش‌ها و متدها از جانب سازمان‌ها و نهادهای دولتی در تخالف نیازها و سیاست‌های سرمایه نیست؛ نهادها و سازمان‌هایی که حافظ بقای سلطه امپریالیستی در ایران به حساب آمده و کار و بارشان، استنمار، چپاول، گسترده‌گی اختناق، بیکارسازی و اخراج‌های بی‌رویه، بگير و ببند و کُشت و کُشتار کمونیست‌ها، مبارزان و مخالفان است؛ نهادها و سازمان‌هایی که به برکت مدرن‌ترین سلاح‌ها بر فضای جامعه مان چنگ انداخته‌اند و راه هرگونه گفتمان سیاسی سالم و منطقی، و راه هرگونه مبارزه مسالمت‌آمیز را مسدود نموده‌اند. جمهوری اسلامی با این منطق و سیاست به میدان آمده است و مدافع بی چون و چرای چنین سیاست غیر انسانی است و در هیچ دوره و زمانی هم از آن‌ها فاصله نگرفته است.

به بیانی حقیقی لحظه‌ای از تاریخ سردمداران رژیم جمهوری اسلامی را نمی‌توان سراغ داشت که در آن از تعرض به جان و مال کارگران و زحمت‌کشان خبری نباشد. به تجربه دریافته شده است که در زیر سلطه رژیم وابسته جمهوری اسلامی سخن گفتن از تغییر و گفتمان سیاسی و همچنین کار بست روش‌های غیر مقابله‌ای، بی سرانجام و غیر سودمند به حساب خواهد آمد؛ چرا که دشمنان طبقاتی میلیون‌ها کارگر و زحمت‌کش از همان آغازین و بدون کمترین توهمی با سلاح و با شمشیرهای از رو بسته به میدان آمده‌اند و برتداوم آن مصراند. چاره و راه دیگری در مقابل‌شان نیست و می‌دانند که بدون انتخاب چنین راهی، قادر به حکومت‌داری نیستند؛ می‌دانند که بدون توسل به خشونت، تسمه‌های سرمایه از هم گسسته خواهد شد و جامعه، مسیر، تخالف حاکمان زورگو را در پیش خواهد گرفت. به همین دلیل است که می‌گیرند و می‌کُشد تا دوام بیشتری یابد. بنابراین و در بستر چنین واقعیتی، مگر راهی به غیر از راه انتخابی سازمان‌های دولتی در مقابل میلیون‌ها کارگر و زحمت‌کش قرار دارد؟

در حقیقت تاریخ جنبش‌های ضد امپریالیستی ایران - از دیرباز - و به ویژه در این چندین دهه نشان داده است که پیشرفت و کار و بار انقلاب، بدون انتخاب روش‌های عملی فعال به نتیجه نخواهد رسید. این سیاست و اسلوبی است که سرمایه‌داران وابسته به جامعه تحمیل نموده‌اند. قدرت دشمن با سلاحش تعریف می‌گردد و بی‌گمان سازمان‌های کمونیستی هم بدون سازماندهی توده‌ها حول عالی‌ترین شکل از مبارزه، قادر به پیشبرد امر انقلاب نیستند. از

یکطرف ایستائی، شکنندگی و نائثمری اعتراضات کارگری - تودهئی و از طرفدیگر تاریخ بیش از سه دهه عملکرد رژیم جمهوری اسلامی نمایانگر این واقعیت است که زمانی می‌توان جنبش‌های اعتراضی کاگری - تودهئی را یکگام به جلو سوق داد، و زمانی می‌توان بساط دشمنان طبقاتی کارگران و زحمتکشان را در هم شکست که با زور سازمانیافته مسلح تودهئی به میدان آمد. به عینه دریافته شده است که سلاح، تنها زبان گویای پس زدن رژیم جمهوری اسلامی از جان و مال کارگران و زحمتکشان می‌باشد. جنبش مسلحانه ترکمن صحرا و به ویژه مبارزات مسلحانه چند ساله خلق کُرد - علی‌رغم تمامی کاستی‌ها و ایرادات وارده -، موبد این حقیقت است که زمانی توده، طعم آزادی، رهائی و شادمانی را خواهد چشید که با زور سازمانیافته و مسلحانه در مقابل دسته‌های رنگارنگ مسلح رژیم به صف شود؛ به عینه دریافته شده است که زور سازمانیافته دولتی را تنها با زور سازمانیافته مسلح تودهئی می‌توان در هم شکست. این درس و تجربه بس گرانبھائی است که جنبش‌های رهائی‌بخش سرتاسر جهان و از جمله خلق‌های ستمدیده ایران در دوره‌های متفاوت سلطه امپریالیستی از خود بر جای گذاشتند.

جون ۲۰۱۲

خرداد [جوزا] ۱۳۹۱

بر گرفته از شماره ده پیام سیاهکل سازمان نوزده بهمن